





دانشگاه آزاد اسلامی
واحد شاهرود
دانشکده علوم انسانی، گروه تاریخ
پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد «M.A.»
گرایش: تاریخ ایران دوره اسلامی

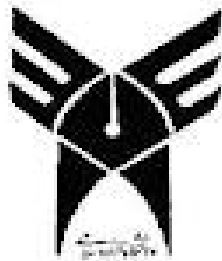
عنوان:
نگرش روشن فکران قاجار در مورد تغییر خط و الفبا

استاد راهنما:
دکتر زهرا علیزاده بیرجندی

استاد مشاور:
دکتر محمد بهنام فر

نگارش:
محمدرضا شاه بیکی

تابستان ۹۱



ISLAMIC AZAD UNIVERSITY

**Shahrood Branch
Faculty of Human science-Department of history
(M.A.)Thesis on Iran History**

**Subject:
The Qajar intellectuals' opinion of changing Persian writing and alphabet**

**Thesis Advisor:
Zahra Alizadeh Birjandi Ph.D.**

**Consulting Advisor:
Mohammad Behnam far Ph.D.**

**By:
Mohammad Reza Shahbeiki**

Summer 2012

سپاس و قدردانی

مراتب سپاس و قدردانی خود را از استاد معظم، سرکار خانم دکتر علیزاده بیرجندی که با حسن و درایت خویش، راهنمایی رساله را بر عهده گرفتند و در انتخاب موضوع کمک شایانی فرمودند و نیز در تمامی مراحل تهیه و تدوین، این حقیر را مورد لطف قرار دادند، اعلام می دارم. همچنین از استاد فرهیخته و گرامی جناب آقای دکتر بهنام فر نیز که افتخار مشاورت رساله را نصیب من نمودند، خالصانه تشکر می نمایم. تشکر و سپاس از استادان محترم گروه تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود را فرض ذمه خود می دانم. از تلاش ها و حمایت های بی شائبه همسرم که همواره مشوق و یاورم بوده است نیز صمیمانه سپاسگزارم.

« سلامت و سعادت تمامی این عزیزان را از درگاه خداوند متعال خواهانم.»

تقدیم به

همه ی آنانی که در راه اعتلای ایران زمین کوشیدند.

فهرست مطالب

	عنوان	صفحه
۱	چکیده
۲	مقدمه
فصل اول: کلیات		
۸	۱-۱. بیان مسئله
۹	۲-۱. فرضیه اصلی
۹	۳-۱. اهداف تحقیق
۹	۴-۱. پیشینه تحقیق
۹	۵-۱. شیوه تحقیق
فصل دوم: سیر تحول خط و الفبای فارسی		
۱۲	۱-۲. مراحل تکمیل و تطور خط
۱۸	۲-۲. خطوط ایران پیش از اسلام
۱۸	۱-۲-۲. خط میخی
۲۱	۲-۲-۲. خط پهلوی
۲۵	۳-۲-۲. خط اوستایی
۲۷	۳-۲. خطوط ایران بعد از اسلام
۳۱	۴-۲. الفبای فارسی
فصل سوم: علل توجه روشن فکران و نظریه پردازان قاجار به مباحث خط و الفبا		
۱-۳. علل عقب ماندگی ایران نسبت به مغرب زمین در عصر قاجار		
۴۵
۴۸	۱-۳-۱. عوامل داخلی
۴۸	- نظریه فرهنگ عامل انحطاط
۵۰	- نظریه بحران عقلانیت و نقص روح فلسفی
۵۲	- نظریه دین عامل انحطاط
۵۵	- نظریه خط و الفبا عامل انحطاط
۶۰	۲-۳-۱. عوامل خارجی
۶۰	- نظریه حمله اعراب
۶۲	- نظریه حمله مغولان و ترکان
۶۴	۲-۳. نوگرایی و نواندیشی در عصر قاجار
۶۶	۱-۲-۳. نواندیشی حکومتی
۷۰	۲-۲-۳. نواندیشی روشن فکران
۷۷	۳-۲-۳. نواندیشی روحانیون

فصل چهارم: روشن فکران قاجار و جنبش اصلاح الفبا

۸۲	۱-۴. میرزا فتحعلی آخوندزاده
۸۵	۱-۱-۴. آخوند زاده و اصلاح خط و الفبا
۸۸	۲-۱-۴. انگیزه اصلاح خط
۹۸	۲-۴. میرزا ملکم خان ناظم الدوله
۹۸	۱-۲-۴. اندیشه های میرزا ملکم خان
۱۰۲	۲-۲-۴. میرزا ملکم خان و تغییر خط و الفبا
۱۰۷	۳-۲-۴. رساله های ملکم خان درباره ی الفبای جدید
۱۱۹	۴-۲-۴. اشکالات خط ملکمی
۱۲۱	۳-۴. میرزا یوسف تبریزی (مستشار الدوله)
۱۲۳	۱-۳-۴. رساله یک کلمه
۱۲۶	۲-۳-۴. مستشار الدوله و تغییر خط و الفبا
۱۳۲	۴-۴. عبدالرحیم طالبوف تبریزی
۱۳۳	۱-۴-۴. اندیشه های طالبوف تبریزی
۱۳۶	۲-۴-۴. طالبوف و تغییر خط و الفبا
۱۳۹	۵-۴. میرزا آقاخان کرمانی
۱۴۱	۱-۵-۴. میرزا آقا خان کرمانی و تغییر خط و الفبا
۱۴۴	۶-۴. میرزا حسن رشديه
۱۵۱	۷-۴. حاج زين العابدين مراغه ای
۱۵۲	۱-۴-۷. سیاحتنامه ابراهیم بيک
۱۵۳	۲-۴-۷. مراغه ای و تغییر خط و الفبا
۱۵۵	۸-۴. دیگر طرفداران جنبش تغییر الفبا
۱۵۵	۱-۸-۴. آخوند احمد حسين زاده شيخ الاسلام قفقاز
۱۵۶	۲-۸-۴. میرزا لطفعلی تبریزی
۱۵۶	۳-۸-۴. امين الدوله
۱۵۷	۴-۸-۴. میرزا قلی خان هدايت (مخبر السلطنه)
۱۵۷	۵-۸-۴. ارفع الدوله
۱۵۸	۶-۸-۴. جلال الدين ميرزا
۱۶۲	فصل پنجم: نتیجه گیری
۱۷۰	پیوست ها
۱۸۱	منابع و مأخذ
۱۸۷	چکیده انگلیسی

چکیده

در قرن نوزدهم در میان نخبگان و روشن فکران عصر قاجار در چاره‌جویی برون‌رفت از عقب‌ماندگی و رکود فرهنگی و فکری ایران نسبت به کشورهای غربی، توجه به کمبودها و نواقص خط و الفبا در زبان فارسی جلب گردید. دغدغه اصلی این روشنگران این بود که دریابند چه رابطه‌ای میان عقب‌ماندگی شرقی و موانع اخذ تمدن نوین غربی وجود دارد. لزوم تربیت عمومی و گسترش آموزش و پرورش و دشواری‌ها و معضلات خط و الفبای عربی، رویکرد تغییر خط و الفبا را آفرید. اندیشه تغییر الفبا اولین بار توسط آخوندزاده مطرح گردید. دیگر روشن فکران نیز از این ایده تاثیر پذیرفتند و افرادی مانند میرزا ملکم خان، مستشارالدوله، میرزا آقا خان کرمانی، طالبوف تبریزی، میرزا حسن رشیدیه و... نیز به این جنبش پیوستند. گروهی از آنان فقط خواهان اصلاح الفبا بودند اما گروهی دیگر با ارائه الفبایی اختراعی در صدد تغییر آن برآمدند. هر چند به دلایلی این جنبش در ایران به موفقیت نرسید، به دلیل پاره‌ای از ایرادات خط فارسی، امروزه نیز زبان‌شناسان معتقدند که بهتر است این خط اصلاح شود.

واژگان کلیدی: قاجار، اصلاح خط و الفبا، روشن فکران

فصل یک
کلیات تحقیق

بیان مساله

یکی از شاخصه های مهم عصر قاجار رویارویی تمدن ایران و مغرب زمین است. بخش عمده ای از دلایل این رویارویی به مسائل سیاسی و تکاپوهای استعماری غرب برمی گردد. رقابت دولت های اروپایی از یک سو و موقعیت ممتاز جغرافیایی سیاسی ایران از سوی دیگر زمینه را برای توجه همزمان و روابط این دولت ها با ایران فراهم نمود. روابط سیاسی تعاملات فرهنگی میان ایران و غرب را به دنبال داشت. جریان های مهم سیاسی نظیر جنگ های ایران و روسیه و اختلافات ایران و انگلیس و مسئله هرات توجه ایرانیان به ویژه اندیشمندان را به مقایسه ایران و غرب و دلایل عقب ماندگی ایران جلب نمود و اینان دریافتند برای خروج از این وضعیت باید غرب را الگوی خویش قرار داده و پیشرفت های تمدنی قرون جدید آنان را اقتباس نمایند. آغاز نواندیشی و طرح اصلاحات در ایران با پیشکسوتی عباس میرزا و با اقتدا به الگوی غربی صورت گرفت. یکی از مباحثی که روشن فکران ایرانی از آن به عنوان دلیل اصلی عقب ماندگی ایران عصر قاجار یاد کرده اند مبحث خط و الفبا است که پرداختن به آن محور اصلی این پژوهش است.

پرسش اصلی تحقیق (مساله تحقیق)

نگرش های روشن فکران ایرانی عصر قاجار در مورد تحول خط و الفبا چه بوده است؟

فرضیه اصلی

۱- رویارویی روشن فکران ایرانی با دستاوردهای تمدن غرب سبب آگاهی آنان نسبت به دلایل عقب ماندگی در عرصه های آموزشی و در نتیجه منجر به ابراز ایده های اصلاحی در حوزه ی خط و الفبا شد.

۲- در راس این کانون ها اروپای غربی، قفقاز و عثمانی بود که تاثیرات زیادی بر روشن فکران ایرانی گذاشت.

اهداف تحقیق

- ۱ - آشنایی با سیر تحول خط و الفبا در ایران با تکیه بر دوران قاجار
- ۲- شناخت نگرش های اندیشه گران ایرانی و راهکارهای آنان در زمینه خط و الفبا در عصر قاجار

پیشینه تحقیق

با وجود پژوهش های متعددی که در خصوص دوره ی قاجار صورت گرفته است ، موضوع خط و الفبا و نظرات روشن فکران این عصر در مورد تغییر آن، از نظر ها دور مانده و مورد توجه پژوهشگران واقع نشده است. لذا در این پژوهش سعی بر این است تا با بررسی تمامی منابع موجود و در دسترس ، به این موضوع پرداخته شود.

شیوه تحقیق

این رساله به شیوه کتابخانه ای با بهره جستن از منابع و کتب مربوط به عصر قاجار و نیز رجوع به سایت های اینترنتی معتبر و کتابخانه های دیجیتال مراکز اسناد ملی ایران و آستان قدس رضوی انجام شد.

فصل دو
سیر تحول خط و الفبا

بشر از ابتدا ناگزیر بوده است در اجتماع و با دیگران زندگی کند. در واقع انسان وقتی تصمیم گرفت با دیگر اعضای جامعه ارتباط برقرار کند تا مقاصد خود را به آنان بفهماند و از منظور دیگران نیز با خبر شود، مجبور شد تا از سمبل‌ها و اشاره‌های لفظی و کتبی و قرار دادی که بین او و دیگر اعضای جامعه مشترک بود، استفاده نماید. یعنی به این فکر افتاد که اندیشه‌ها و خواسته‌های درونی خود را به گونه‌ای به طرف مقابل بفهماند. به این ترتیب پس از احساس این نیاز تلاش خود را به کار گرفت تا از ساده‌ترین روش برای بیان مقصود خود استفاده نماید و آن ساده‌ترین راه همان استفاده از صفحات سنگی یا تخته یا دیوارهای اطراف وی بوده است. در واقع هنگامی که بشر خواست آن چه را که در اندیشه‌ی خود دارد نقش نماید زمانی است که گام نخست را به عرصه‌ی نگارش گذاشت. انسان به کمک خط توانست دانسته‌های خود را محفوظ نگه داشته و تاریخی از خود به جای بگذارد. بدین ترتیب با ایجاد نقوش، خط اولیه‌ی رفته‌رفته و وجود آمد و سیر خود را با گذشت زمان در پیش گرفت و خطوطی بعدها نوشته شد که امروزه به طور پیوسته و مداوم شکل تکامل یافته‌ی آنها مشاهده می‌شود.

در این فصل سیر کلی تکامل خط، انواع خطوط ایرانیان و نیز چگونگی شکل گرفتن الفبای فارسی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

بخش یک

مراحل تکمیل و تطور خط

در حقیقت بشر زمانی که خواست آنچه را می‌اندیشد ترسیم کند، قدم به دنیای نگارش گذاشت. مراحل تطور خط و نگارش را می‌توان چنین در نظر گرفت:

مرحله ی اول: خط نگاری یا نقشی؛ یعنی کسی خیال و اندیشه ی خود را به صورت نقش و نگار تجسم داده و آن را وسیله ی فهم دیگری قرار می‌دهد و این خط دارای زبان خاصی نیست و خطی است که می‌توان آن را خط

بین المللی دانست. اما، فراوانی تصویرها و ناتوانی آنها در بیان مفاهیم عاطفی، کمبود این سبک نوشتن بود. مثلاً نقش دو پا نشانه ی راه رفتن و چشم اشک آلود نشانه ی اندوهگینی بود. رفته رفته تصویرها، شکل ساده تر و نمادین تری یافته و برای مفاهیم عاطفی، علائم قراردادی وضع شد و نوع خط اندیشه نگاری را در دسترس نگارندگان قرار داد که خط هیروگلیف که بیشتر در مصر رایج بود از این گونه نگارش است. گستره انتشار این خط بیشتر در مصر و در دست کاهنان بود. یونانیان چون این خط را اعجاب‌آور و پر از رمز و راز پنهانی کاهنان مصر یافتند، این نام را بدان بخشیدند که در زبان یونانی به معنی نوشته نشانه‌های مقدس است. سابقه خط هیروگلیف را تا هزاره چهارم پیش از میلاد نیز می‌توان پیش برد. خط هیروگلیف را بر پاپیروس می‌نوشتند. پاپیروس از ساقه‌های فشرده نوعی نی به دست می‌آید و نیای کاغذ است. کلمات ... , paper, papier در زبان‌های غربی با این واژه ارتباط دارند. مصریان نخستین مصرف‌کنندگان پاپیروس بودند و نوشت افزار آنها نیز نوعی قلم نی بود که آن را در مرکب سیاه یا قرمز فرو می‌بردند. این خط بیشتر افقی و از راست به چپ نوشته می‌شود و به ندرت از چپ به راست و گاهی از بالا به پایین. تصویر انسان‌ها و حیوانات رو به آغاز خط دارد. بعدها خط هیروگلیف در مصر تحول می‌یابد و به سادگی می‌گراید و دو نوع خط هیراتیکی (دینی و دموتی) مردمی (از آن بوجود می‌آید).

مرحله ی دوم: خط نموداری یا علامتی؛ این نوع خط، خطی است که برای هر اسم خواه اسم ذات یا اسم معنی نشانه و علامت خاصی قرار دهد در چنین خطی باید به شماره ی مفاهیم لغات یا کلمات در آن زبان علامت‌هایی معین به کار برد. این قبیل خط‌ها دارای شکل‌ها و علامت‌های بسیار بیست که گاهی از هزار هم می‌گذرد، مثل خطوط مصری متأخر تر و بابلی و آشوری قدیم.

مرحله ی سوم: خط آهنگی یا صوتی؛ یعنی خطی که هر حرف یا شکل، نشانه ی یکی از صوت هاست. در زبان صاحبان این خطوط نیز غالباً لغات با اصوات و مقاطعات جدا جدا ساخته شده است و

هر صوتی در مقصودگوبنده تاثیر خاص داشته اند یعنی اصوات حاکی مراد و قصد گوبنده است و یک صوت با تغییر آهنگ تغییر معنی می دهد. خط چینی امروز مخلوطی از خط علامتی و خط صوتی است.

مرحله ی چهارم: خط الفبایی؛ در این نوع خط هر حرف نماینده ی یک مخرج است و آن مخارج گاهی حروف مصوته و گاهی حروف غیر مصوته را ادا می کند و از ترکیب مجموع حروف لغات و کلمات ساخته می شود و چون لغات و کلمات ساخته شده از چند مخرج مختصر نیست باهمان چند حرف که از سی چهل عدد تجاوز نمی کند می توان تمام لغات و معانی و مقاصد را بیان نمود -مانند خطوط اسلامی و لاتینی و هندی و سامی که همه از خطوط الفبایی به حساب می آیند. این خط در فلات ایران مربوط به هزار سال پیش از میلاد است که در تپه سیالک نمونه های آن به دست آمد.

منشاء خطوط دنیا

کهن ترین اقوامی که در بین النهرین زمینه خط میخی را فراهم کرده اند سومری ها هستند، قومی متمدن که رد پای آن ها از اواخر هزاره چهارم پیش از میلاد در بین النهرین دیده می شود. علم نجوم، تقسیم ساعت به ۶۰ دقیقه و دقیقه به ۶۰ ثانیه، مسائل هندسی و اوزان؛ میراث های گران بهایی هستند که این قوم برای آشوری ها و بابلی ها بر جای گذاشتند. سومری ها چون پیوندی با همسایگان شان نداشتند از میان رفتند یا جذب اقوام سامی شدند. سومری ها چون مصری ها و چینی ها، از نخستین اقوامی هستند که تمایل به ضبط گفتار و اندیشه هایشان داشتند و برای این کار خط میخی را برگزیدند. خط میخی آغازین سومری ها شباهت به خط مصری دارد یعنی خط میخی در اصل نوعی خط تصویرنگاری بوده است، آن را بر روی لوح نقش می کردند و به همین دلیل رفته رفته تصویرها حالت ساده تر و زاویه مانندی به خود گرفتند و سرانجام علامت های تشکیل دهنده این خط به صورت میخ درآمد. به جز تفاوت های ظاهری خط هیروگلیف و خط میخی، تفاوت آشکار دیگر آنها در ابزار نوشتن است. برای نگارش خط هیروگلیف از پاپیروس و قلم نی و مرکب استفاده می شد در حالی که برای نوشتن خطوط میخی نیاز به لوحه های گلی نرمی بود که با قلم چوبی بر آن می نگاشتند و سپس لوحه را می پختند.

از خط میخی سومری نخستین، خط میخی ایلامی منشعب می شود که برای نگارش زبان ایلامی که جزو زبان های منفرد است به کار می رود.

خط میخی اکدی (بابلی) نیز از منشعبات همین خط است. خط میخی به جز منطقه بین النهرین در گستره ی وسیعی رواج می یابد: در آسیای صغیر و بین النهرین شمالی و در میان هیتی ها، هوری ها، اورارتورها، لولوبی ها و کاسی ها و غیره.

خط میخی پارسی از روی خط میخی بابلی و ایلامی درست شده است که نسبت به آنها علائم ساده‌تر و کمتری دارد. این خط از چپ به راست نوشته می‌شود می‌توانیم آن را صورت تکامل یافته خطوط میخی دیگر بدانیم.

هم زمان با تکامل تدریجی خطوط میخی و در هزاره دوم پیش از میلاد خط دیگری در سرزمین فنیقیه پا به عرصه وجود می‌گذارد و آن خط فنیقی است. قدیمی‌ترین نمونه این خط در کاوش‌های شهر گوبله، از شهرهای فنیقی باستان (حوالی سوریه کنونی) (که یونانیان آن را بیبلوس می‌نامیدند، به دست آمده است. این شهر در میان یونانیان، به عنوان داشتن بهترین پاپیروس‌ها، شهرت داشت و مرکز مهم بازرگانی مصر و یونان بود. چون یونانیان وسایل نوشتن خود را از این شهر بدست می‌آوردند نام بیبلوس در نزد آنها به معنی کتاب گرفته شده و بعدها Bible، مفهوم کتاب دینی تورات و انجیل را یافت. الفبای فنیقی با ۲۲ علامت خطی که تنها صامت‌ها را نشان می‌داد، از راست به چپ نوشته می‌شد. به زعم خط‌شناسان، نشانه‌هایی از خط مصری باستان و خطوط تصویری را در الفبای فنیقی می‌توان یافت. این خط برخلاف خط هیروگلیف که در انحصار کاهنان بود و یا خط میخی که تنها طبقه دبیران با آن سر و کار داشتند، به راحتی در دسترس عامه قرار گرفت. چون نگارش و فراگرفتن آن آسان بود، این خط در آسیای غربی نفوذ یافت و جایگزین خط میخی شد و به غرب (اروپای امروز) که هنوز دارای خط و کتابت نبود راه یافت. این مسئله از طریق یونان انجام گرفت که با فنیقی‌ها ارتباط بازرگانی داشتند.

یونانیان این الفبا را با اسم سامی آن که نماینده دو حرف اول آن بود «آلفا بتا» نامیدند و برای استفاده خود تغییراتی در آن دادند و مصوت‌ها را وارد خط ساختند و خط صامت نگار را به آوانگار تبدیل کردند و جهت نگارش را نیز تغییر دادند و از چپ به راست نوشتند.

لازم به یادآوری هست که کهن‌ترین نوشته‌ها معمولاً از راست به چپ و سپس از چپ به راست نوشته شده است و در آغاز نوعی روش شیارگونه متداول بوده است. گونه‌ای از خط یونانی را، یونانیان مهاجر با خود به روم بردند و در آنجا بر این مبنا، الفبای لاتینی به وجود آمد که زبان‌های گوناگون اروپا بدان خط نوشته شد. بخشی از اروپای شرقی که به کلیسای روم وابسته بودند، الفبای لاتینی را برای نگارش برگزیدند، مانند کشورهای لهستانی، چک‌ها، کرووات‌ها و ...

اما در سده نهم میلادی کشیشی از کلیسای بیزانس به نام سیریل با ترکیبی از الفبای یونانی و رومی خطی را برای نگارش زبان اسلاوی به وجود آورد. گونه‌ای تعدیل شده ی این الفبا که سیریلیک نامیده می‌شود برای نگارش زبان روسی و دیگر زبان‌های هم‌جوار به کار می‌رود.

الفبای فنیقی به نوعی شبه قاره هند را نیز در نوردید. دانشمندان خط برهمایی هند را از فرزندان همین خط می‌دانند که زبان سنسکریت و دیگر زبان‌های هندی با آن نوشته می‌شود. متون دینی بودایی به

زبان خنتی)سکایی (که یکی از زبان‌های ایرانی شرقی دوره میانه است به خط برهمایی نوشته شده است.

در میان اقوام سامی که خط فینیقی را برگزیدند، عرب‌ها متاخرترین قومی هستند که به دستگیری نبطی‌ها هنر نوشتن را آموختند.

یکی از خطوطی که از خط فینیقی پدید آمد خط آرامی است که به سرعت در خاورمیانه رواج پیدا کرد. آرامی‌ها اقوامی بودند که از صحرای شمالی عربستان به سوی خاورمیانه مهاجرت کردند و در بین‌النهرین مستقر شدند. در اوایل هزاره اول پیش از میلاد، حکومت‌هایی برای خود بر پا کردند ولی به زودی مقهور و خراج‌گزار آشوری‌ها گشتند. اما از آنجا که بازرگانان موفق بودند در منطقه نفوذ کردند و محل استقرار خود را در بابل و نینوا قرار دادند و بر جمعیتشان نیز افزوده شد و زبان این قوم زمانی دراز در این منطقه پایدار ماند و مهم‌تر این که بر مبنای الفبای فنیقی، خط آرامی به وجود آمد که به سرعت رواج یافت و تبدیل به خط بین‌المللی منطقه شد و زبان آرامی نیز که چندان دور از زبان‌های سامی آن نواحی نبود، تبدیل به زبان ارتباطی خاورمیانه گشت. پدید آمدن دولت هخامنشی که سرزمینی گسترده از ماوراءالنهر تا بین‌النهرین را در برمی‌گرفت و نیاز به یک زبان ارتباطی واحد داشت، بر گسترش خط و زبان آرامی در این راستا افزود.

خط و زبان آرامی در دولت هخامنشی تبدیل به زبان دیوانی شد و دبیران آرامی‌نژاد و آرامی‌زبان در دستگاه‌های دیوانی ایالت‌های مختلف سرزمین هخامنشی به خدمت مشغول شدند و زبان و خط آرامی با عنوان آرامی رسمی یا آرامی امپراطوری پا به پای زبان فارسی باستان و خط میخی که تنها در کتیبه‌های هخامنشی به کار می‌رفت در ارسال مراسلات به کار گرفته شد. بدین صورت که نامه به زبان هر ایالتی تقریر می‌شد، دبیر آرامی زبان آن را به زبان و الفبای آرامی می‌نوشت و نامه به ایالت‌های دیگر فرستاده می‌شد و در آنجا دبیرهایی از همین نوع آن را به زبان آن ایالت برمی‌گرداندند و می‌خواندند.

قراین نشان می‌دهد که پارسیان حروف آرامی را برای تعبیر زبان خود پذیرفتند. یکی از ترجمه‌های کتیبه مقبره داریوش به زبان پارسی و با حروف آرامی نوشته شده است. در خط میخی پارسی باستان چند علامت ایدئوگرام آرامی اقتباس شده است و همین امر می‌بایست در تحریر پارسی باستان به حروف آرامی صورت گرفته باشد.

لازم به یادآوری است که خط عبری نیز که سابقه زبانی آن به سده چهارم پیش از میلاد می‌رسد از اصل آرامی نشأت گرفته است. عموم یهودیان جهان خط عبری را برای نگارش آثار خود به کار می‌گیرند. خط عربی نیز با واسطه نبطیان از خط آرامی به وجود آمده است. نبطیان قومی از نژاد عرب بودند که در نبطیه زندگی می‌کردند، از حدود ۱۵۰ سال پیش از میلاد گونه‌ای از خط و زبان

آرامی در میان ایشان رایج بود، از این خط، خطی موسوم به سینایی نو به وجود آمد که از سده اول پیش از میلاد تا سده چهارم میلادی در شبه جزیره سینا رواج داشت. خط کوفی (در کوفه و حیره و نسخ) در مکه و مدینه (از این خط اقتباس شده‌اند).

بخش دو

خطوط ایران پیش از اسلام

ایرانیان باستان حداقل به دو انگیزه در جستجوی رموز دانش صداشناسی و خط بودند « یکی پیدایش زبانی خوش آهنگ و شایان نرماش پذیری و دیگری دل بستگی به خواندن سرودهای مذهبی ». رساله ی مخارج الحروف یا اسباب حدوث الحروف که از نوشته های ابن سینا شناخته شده ، رساله ای بی مانند در این جهان است . این رساله که دارای شش بخش و یک پیشگفتار می باشد ، نگرش ویژه به این دانش را در ایران آشکار می کند . زیرا کوچکترین نکته علمی و فنی مربوط به صداشناسی در این رساله کوچک فروگذار نشده است .

ایرانیان قبل از اسلام به توالی از سه شیوه نوشتاری استفاده کرده اند :

الف (خط میخی):

مدارک و اسناد متعدد مسلم می دارند که اختراع خط به نیاکان آریایی ایران، ساکن در کناره های خزر تعلق دارد . ایرانیان خط میخی را اختراع کردند و این خط به تدریج در میان سایر اقوام آریایی رایج شده است . در قرن هفتم پیش از میلاد ، مادها برای اولین بار الفبای 36 حرفی را ابداع کردند . ویل دورانت می نویسد «: ایرانیان، زبان آریایی و الفبای خود را از مردم ماد گرفتند و همین مادها انگیزه آن شدند که ایرانیان به جای لوح گلی، کاغذ پوستی و قلم برای نوشتن به کار برند .»

مادها ، خود خط میخی را از آشوری ها گرفته و الفبای خود را از خطوط میخی آشوری ساخته بودند . محمد تقی بهار در جلد اول کتاب سبک شناسی در مورد پیدایش خط در دوران مادها چنین می نویسد «: آریایی های آن روز که در ایران استقرار یافته اند خود دارای تمدن و خط نبودند و این مبادی و اصول را از رعایا و زیر دستان مغلوب خود آموختند و این زیردستان همان مردم قدیم بوده اند که بعدها از آنان به دیو تعبیر شده است و یا اسرای جنگی از نژادهای همسایه و اتباع ملل مجاور که مغلوب ایران می شدند . آنچه از منابع و شواهد به دست می آید آن است که ایرانیان (مادها)، در طول آن مدت که یوغ بندگی و رعیتی ملل مقتدر آشور را به گردن داشتند، با خط آشوری که خط میخی است آشنا شدند و بعد ها که از قید ذلت آزاد شدند و دولت مستقلی از خود برقرار ساختند، خط میخی را تکمیل کردند» .

در دوره مادها توجه شایانی به تعلیم و تربیت می شد و معلمین و دانشمندان مادی با اختراع الفبای خود بزرگترین خدمت را به بشریت نموده و توانستند یک فرهنگ و تمدن بزرگ را فراهم آورده ، آنرا در اختیار هخامنشیان بگذارند .

هخامنشیان برای اداره کشور پهناور خود به یک سیستم خطی مترقی نیاز داشتند و از آنجائی که وارث کشورهای شرقی باستان بودند، روش نوشتن خط را اقتباس کردند و در این رشته نیز مانند سایر رشته ها پیشرفت شایانی نمودند.

سیستم نیمه الفبایی که در دربار هخامنشیان مورد استفاده بود برای اولین بار در زمان کورش کبیر صورت خط به خود گرفت و بعد ها مورد استعمال پادشاهان بزرگ دیگر چون داریوش، خشایار شاه و غیره قرار گرفت. اکنون در بسیاری از سنگ ها، مهره ها و فلزات و گل پاره ها و دیگر کتیبه ها آثاری از آن مشاهده می شود.

لفظ میخی از عربی گرفته شده چون تازیان این خط را (خط المسماری) می نامند و نیز به این دلیل که خطی که برای نوشتن کتیبه های فارسی باستان به کار رفته مرکب از علایم و اشکالی است که ظاهرا شبیه به میخ بوده، میخی نامیده شد.

خط میخی پارسی شامل علامت هایی است که هر کدام از یک تا پنج نقش ساخته شده اند، این علامت ها به گونه ای عمودی یا افقی و از چپ به راست نوشته می شدند. در این خط میخ ها برای نشان دادن واج ها و آوای زبانی به صورت گوناگون به صورت منفرد یا چسبیده کوچک یا بزرگ در کنار هم قرار می گیرند. شاید آسان تر بودن این اشکال در سطوحی سخت چون سنگ و فلز و لوح گلی علت میخی شکل بودن نویسه های این خط است. خط میخی فارسی باستان که از خطوط سامی رایج در بین النهرین اقتباس شده است از زمره ی خطوط هجانگار محسوب می شود زیرا ارزش صوتی هر علامت برابر یک صامت و یک مصوت است. این خط علامتی داشت به نام واژه جدا کن: از آن جایی که حروف میخی به هم نمی پیوندند و حروف پشت سر هم با یک فاصله نوشته می شوند ناچار برای مشخص نمودن حدود یک واژه از علامتی به عنوان واژه جداکن استفاده می شد. در این خط هشت علامت به کار رفته است که (ایدئوگرام (یا اندیشه نگار (نامیده می شود. این علایم که ظاهراً به خط میخی بابلی نگاشته شده اند، بر پنج مفهوم خاص به شرح زیر دلالت می کنند: (بغ) خدا (شاه، بوم) زمین (، سرزمین، اهورامزدا. چنان که پیداست برای آسان تر بودن امر نگارش تنها با نوشتن یکی دو حرف به صورت اختصاری از نوشتن کامل واژه هایی که به صورت مکرر در متون به کار می رفتند و جای زیادی از سطح کتیبه را اشغال می کردند از این علایم (ایدئوگرام (یا (معنی نگار) استفاده می شد و احتمالاً برای مجزا نمودن این علامت از دیگر نشانه های خطی از خط بابلی استفاده می شده است تا ماهیت ویژه ی آن ها مشخص شود.

علاوه بر 36 حرف که نمایانگر واج ها و آوای زبان بودند و دو علامت واژه جداکن و هشت علامت ایدئوگرام علامت های دیگری نیز در کتیبه های فارسی باستان وجود دارد که بر اعداد